



اذن دخول مسجد النبی (ص) و مشاهد ائمه (ع)

اذن دخول حرم های شریفه علیهم السلام؛ اول: شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله یا در یکی از مشاهد مشرفه ائمه علیهم السلام پس بگو

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفَتُ عَلَى بَابِ مِنْ أَبْوَابِ يُؤْتِ نَبِيًّا كَصَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پروردگارا من بر درگاه محترمی ایستاده ام از درهای سرای پیغمبر تو که درود تو بر او و بر آل اطهارش باد

وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ

و تو خلق را از ورود در آن سرای بدون اذن منع کردی

فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا يُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ

که فرمودی ای اهل ایمان شما در خانه های پیغمبر (ص) (و فرزندان پاکش) بی اجازه داخل نشوید

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَسْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضُورِهِ

پروردگارا من به حرمت صاحب این خانه و این مشهد و حرم شریف معتقدم در غیب و مماتش چنانکه در حضور و حیات او



وَأَعْلَمَ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ

كَلَامِي وَيَرْدُونَ سَلَامِي

و البته میدانم که پیغمبر تو و جانشینانش علیهم السلام همه نزد تو زنده ابدند و روزی می خورند و مقام مرا نزد قبر مطهر خود می بینند و سلام مرا شنیده و پاسخ می دهند

وَأَنْكَ حَجَّتَ عَنْ سَمْعِي كَلَامُهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مَنَاجَاتِهِمْ

و اکنون تو بر گوش من پرده افکنهای که سخن آنها را نشنوم اما به لذت راز و نیاز با آنها در لطف به رویم گشودی

وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبَّ أَوْلَأَوْ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًّا

و من خدایا نخست از تو اذن می طلبم و دوم اجازه از رسول تو که درود خدا بر او و بر آلسش باد

وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمُفْرُوضَ (الْمُفْرَضَ) عَلَيَّ طَاعَتُهُ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ

و نیز اجازه از جانشین پیغمبرت امام واجب الاطاعه بر من حضرت (هر یک از ائمه که حرم اوست، مثلا علی بن موسی الرضا علیه السلام)

بجای فلان بن فلان نام برد آن امامی را که می خواهد زیارت کند و همچنین نام پدرش را ببرد مثلا اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید



الْحُسَيْنَ بْنَ عَلَىٰ عَلِيهِمَا السَّلَامُ

و اگر در زیارت امام رضا علیه السلام است بگوید

عَلَىٰ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلِيهِمَا السَّلَامُ

و هکذا

پس بگوید

وَالْمَلَائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقُوعَ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلْ يَارَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَاجْحَةَ اللَّهِ

و سوم از فرشتگان که مقیم این حرم شریفند و موکلند بر این بقعه مبارک اذن می خواهم پس ای رسول خدا
اذن می دهید تا داخل گردم آیا وارد شوم ای حجت خدا

أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقْرَبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ

آیا وارد شوم ای فرشتگان مقرب خدا که مقیمان این مشهد مبارکید



فَأَذْنُ لِي يَا مَوْلَائِي فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا ذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أُولَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ
أَهْلُ لِذَلِكَ (الله)

رخصت ده ای مولای من به درآمدن من در حرم بهترین رخصتی که به هر یک از اولیاء و دوستانت داده‌ای که
اگر من لایق نیستم تو لایق خواهی بود

پس ببوس عتبه مبارکه را و داخل شو و بگو

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

به نام خدا و به ذات خدا و در راه خدا و بر طریقت و آیین رسول خداصلی الله علیه و آل‌الله

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَى إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ

ای خدا بر من ببخش و به من ترحم کن و به توبه‌ام بپذیر که تو بسیار توبه پذیر خلق و مهربان به بندگانی.

دوم: اذن دخولی است که علامه مجلسی رحمة الله عليه از نسخه‌ای قدیمه از مؤلفات اصحاب برای
دخول در سرداب مقدس و بقاع منوره ائمه علیهم السلام نقل فرموده و آن چنان است که می‌گویی:



اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَرْتَهَا وَعَقَوْدَةٌ شَرَقْتَهَا وَمَعَالِمٌ زَكَيْتَهَا

ای خدا همانا این جایگاه بقعه‌ای است که تو پاک و محترم داشته ای و محلی است که تو شرافت بدان بخشیده
ای و مقاماتی است که تو پاکیزه فرموده ای

حَيْثُ أَطْهَرْتَ فِيهَا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ وَأَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا لِحِفْظِ النَّظَامِ

تا ادله و براهین توحید از این مقامات بظهور آید و تمثالهای عرش مجید باشد که صاحبانش را به مقام سلطنت
برای حفظ نظام خلق برگزیدی

وَاخْتَرْتُهُمْ رُؤَسَاءً لِجَمِيعِ الْأَنَامِ وَبَعَثْتُهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ فِي اِبْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

و بجهت ریاست بر تمام خاص و عام اختیار کردی و برای اقامه عدل و داد در میان خلق از بدو آفرینش تا روز
قیامت مبعوث گردانیدی

ثُمَّ مَنَّتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةٍ أَنْدِيَائِكَ لِحِفْظِ شَرَائِعَكَ وَأَحْكَامَكَ

پس بر آنان نعمت خلافت و جانشینی پیغمبران را عطا کردی تا شرایع و احکام تو را حفظ کنند

فَأَكَمْلَتْ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ الْمُنْذِرِينَ كَمَا أَوْجَبْتَ رِئَاسَتَهُمْ فِي فِطْرِ الْمَكْلِفِينَ

تا بواسطه خلافت آنها رسالت پیغمبران را به حد نتیجه و کمال رسانی چنانکه بر امت پذیرفتن ریاست و امامت
آنها را فرض و واجب گردانیدی بر فطرت مکلفان



فَسُبْحَانَكَ مِنْ إِلَهٍ مَا أَرَأَفْتَ وَلَا إِلَهٌ إِلَّا أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا أَعْدَلَكَ

باری تو چه منزه خدایی و چقدر با بندگان رعوف و مهربانی هیچ خدایی جز تو ذات یکتا نیست تو چه با عدل و
انتظام سلطانی

حَيْثُ طَابَقَ صُنْعَكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ وَوَاقَ حُكْمُكَ مَا قَرَرْتَهُ فِي الْمَعْقُولِ وَالْمُنْقُولِ

که صنع آفرینشت طبق فطرت عقول خردمندانست و حکم تکوین را وفق فهم عقل و نقل مقرر داشتی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ الْمُعَلَّلِ بِأَكْمَلِ التَّعْلِيلِ

پس تو را ستایش سزاست بر تقدیر حسن نظام زیبایت و تو را سپاس باید بر حکم قضا که معلل و مربوط به
نیکوترين وجه است

فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يَسْأَلُ عَنْ فَعْلِهِ وَلَا يَنَازِعُ فِي أَمْرِهِ

پس منزه است خدایی که احدی را حق سؤال از کار او نخواهد بود و منازعه در امرش نتوان کرد

وَسُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِدَاءِ خَلْقِهِ

و منزه خدایی که بر ذات خود لطف و رحمت به خلق را فرض و لازم فرموده پیش از بد و آفرینش خلق



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِحُكْمِ كَامِيْقُومُونَ مَقَامَهُ لَوْكَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ

و ستایش خدایی را که بر ما به نعمت وجود حکم فرمایانی که قائم مقام حقند منت نهاد اگر خدا در مکانی بود جانشین مکانش بودند

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَّفَنَا بِأَوْصِياءِ يَحْقُطُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ

و نیست خدایی جز خدای یگانه که بواسطه اوصیاء پیغمبران که حافظان شرایع الهی در هر عصرند ما را شرافت بخشید

وَاللهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا بِمُعْجَزَاتٍ يَعْجِزُ عَنْهَا الثَّقَالَانِ

و خدا بزرگتر است آن خدایی که رسولان را با معجزاتی که جن و انس از آن عاجزند میان خلق آشکار ساخت

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي أَجْرَانَا عَلَى عَوَائِلِ الْجَمِيلَةِ فِي الْأُمُمِ السَّالِفِينَ

که هیچ قدرت و نیروی نیست جز به خواست خدا و قدرت کامله او که بلند مرتبه و بزرگ است آنکه ما را بر عواید و صفات جمیله بداشت در میان امتهای گذشته

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ الْعُلِيُّ كَمَا وَجَبَ لِوَجْهِكَ الْبَقاءُ السَّرْمَدِيُّ

پروردگارا پس حمد و ثنا و ستایش بلند مرتبه خاص توست چنانکه نور جمالت را بقای سرمدی ضروری است



وَكَمَا جَعَلْتَ نِبِيَّنَا خَيْرَ النَّبِيِّينَ وَمُلُوكًا أَفْضَلَ الْخُلُوقِينَ وَأَخْتَرَهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

و چنانکه پیغمبر ما را بهترین پیغمبران مقرر داشتی و پادشاهان ما را بهترین و فاضلترین خلق قرار دادی و آنان را به علم و دانش بر عالمیان برگزیدی

وَفَقْنَا لِلَّسْعَيِ إِلَى أَبْوَابِهِمُ الْعَامِرَةِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا تَحْنَ إِلَى مَوْطِئِ أَقْدَامِهِمْ

ای خدا ما را توفیق سعی و کوشش در وصول به درگاه رحمت پایدار ابدی آنها عطا کن و روح ما (شیعیان) را مشتاق محل اقدام (و شهود و مقام) و مشاهد شریفه آنان بگردان

وَنُفُوسَنَا تَهُويِ النَّظَرِ إِلَى مَجَالِسِهِمْ وَعَرَصَاتِهِمْ حَتَّى كَانَنَا نَخَاطِبُهُمْ فِي حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ

تا آنکه هنگام زیارتshan گویا ما با شخص بزرگوار آنها حضوراً مخاطبه و صحبت می کنیم

فَصَلِّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ غَائِبِينَ وَمِنْ سُلَالَةِ طَاهِرِينَ وَمِنْ أَئِمَّةِ مَعْصُومِينَ

پس درود و رحمت الهی بر آنان باد که سید غائبان عوالم ارواح قدس و نسل پاکان عالم وجود و پیشوایان معصوم خلقند

اللَّهُمَّ فَأَذْنْ لَنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ الَّتِي اسْتَعْبَدْتَ بِزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ

پروردگارا پس ما را اذن ده که داخل شویم در این عرصه‌ها (ی محترم و بقعه‌های شریف با برکت) که اهل زمین و آسمانها را متبعد و ملتزم به زیارتsh فرمودی



وَأَرْسِلْ دُمُوعَنَا بِخُشُوعِ الْمَهَابِ

و اشک دیدگان ما را با تذلل و خشوع از مهابت جلالشان جاری گردان

وَذَلِّلْ جَوَارِحَنَا بِذَلِّ الْعُبُودِيَّةِ وَفَرَضَ الطَّاعَةَ حَتَّىٰ نُقَرَّبَ مَا يَحْبُّ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصَافِ

و با ذل بندگی خود و فرض طاعت آن امامان بر حق تا ما به اوصاف کمال لازم ذات آنها اقرار کنیم

وَنَعْرَفَ بِإِنْهُمْ شُفَعَاءُ الْخَلَائِقِ إِذَا نُصِبَتِ الْمُوازِينُ فِي يَوْمِ الْأَعْرَافِ

و به مقام شفاعت خلق بر آنها در قیامت که روز اعراف و نصب موازين اعمال است اعتراف کنیم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الظَّاهِرِينَ

و ستایش خدای را و سلام بر بندگان برگزیده خدا حضرت محمد (ص) و آل اطهارش باد.

پس ببوس عتبه را و داخل شو در حالتی که خاشع و گریان باشی پس بدرستیکه آن اذن دخول است

از ایشان صلووات الله عليهم أجمعین